

رابطه جنسیت و قطع گفتار: بررسی جامعه‌شناختی زبان

بهزاد رهبر^{۱*}، بهروز محمودی بختیاری^۲، گیتی کریم خانلویی^۳

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، زنجان، ایران
۲. استادیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران، تهران، ایران
۳. استادیار گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه علوم پزشکی زنجان، زنجان، ایران

دریافت: ۱۳۹۰/۶/۲۲

پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۵

چکیده

پژوهش حاضر که در حوزه جامعه‌شناسی زبان انجام شده، کوششی است برای ارزیابی یکی از تفاوت‌های رفتار زبانی زنان و مردان در چارچوب نظریه تسلط. هدف از انجام این پژوهش، ارزیابی شاخص تسلط مکالمه‌ای قطع گفتار بر پایه نظریه تسلط در جامعه فارسی‌زبان و بررسی عوامل سه‌گانه مؤثر بر قطع گفتار (اظهارنظرهای مستقیم، انحراف از موضوع و قیدها و فعل‌های تردیدآمیز) است. بر اساس این، شاخص قطع گفتار و شاخص‌های سه‌گانه مؤثر بر قطع گفتار در محیط‌های مختلط و همجنس در نظر گرفته شد و سپس این شاخص‌ها در چهل مصاحبه دوحلّه‌ای (۱۰ مرد و ۱۰ زن دانشجو بین ۱۸-۲۴ سال) مورد ارزیابی قرار گرفت. زنان و مردان در محیط‌های مختلف، بر اساس کاربرد قطع گفتار، رفتار متفاوتی از خود نشان دادند و نمود زبانی نگرش جنسیت‌مدار در جامعه امروز فارسی‌زبان ملموس بود. بر اساس این پژوهش، نوع رابطه هریک از شاخص‌های مؤثر بر قطع گفتار با قطع گفتار بررسی شد و چارچوب ارائه‌شده توسط نظریه تسلط در میان فارسی‌زبانان، ناکارآمد تشخیص داده شد.

واژه‌های کلیدی: جنسیت، نظریه تسلط، تسلط مکالمه‌ای، عمل کنترلی، قطع گفتار.

۱. مقدمه

رفتارهای زبانی پدیده‌هایی بسیار پیچیده و منحصر به فرد هستند و معمولاً مجموعه‌ای از عوامل نظیر میزان تحصیلات، سن، طبقه اجتماعی، محل زندگی، فرهنگ عمومی و غیره در بروز آنها مؤثرند. یکی از این عوامل مؤثر که باعث ایجاد تنوع زبانی می‌شود، عامل

اجتماعی جنسیت است. در حوزه جامعه‌شناسی زبان، تأثیرات این عامل بر رفتارهای زبانی افراد مبحث به نسبت جدید و جالب توجهی است که در پژوهش حاضر قصد داریم بخشی از این تأثیرها را ارزیابی کنیم و به پرسش‌های اصلی پاسخ دهیم:

۱. آیا نظریه تسلط بر اساس ارزیابی شاخص تسلط مکالمه‌ای قطع گفتار در مورد جامعه فارسی‌زبانان صدق می‌کند؟

۲. آیا عوامل سه‌گانه مؤثر بر قطع گفتار (اظهارنظرهای مستقیم، انحراف از موضوع و قیدها و فعل‌های تردیدآمیز) با قطع گفتار رابطه مستقیم دارند؟

برای پاسخ به پرسش اول، قطع گفتار مردان و زنان در محیط‌های مختلط و همجنس را با هم مقایسه می‌کنیم، تفاوت‌های کاربرد آن‌ها را در محیط‌های پژوهش بر اساس نظریه تسلط مورد ارزیابی قرار می‌دهیم و سرانجام در مورد کارایی یا ناکارایی این نظریه در میان جامعه زبانی فارسی‌زبانان قضاوت می‌کنیم. برای پاسخ به پرسش دوم نیز داده‌های مربوط به قطع گفتار در محیط‌های مختلف را با داده‌های سه شاخص مؤثر بر قطع گفتار مقایسه می‌کنیم.

۱-۱. نظریه تسلط

لیکاف^۱ در مورد تفاوت گفتار زنان و مردان، بحث «قدرت» را پیش می‌کشد و با برشمردن ویژگی‌هایی که با گونه گفتاری زنان سازگاری بیشتری دارد، زبان زنان را «زبان ناتوان»^۲ می‌نامد (Lakoff, 1975: 46). بر اساس این، او رهیافتی را پایه می‌نهد که امروزه به آن «تسلط» گفته می‌شود. اجتماعی‌شدن و تثبیت موقعیت برتر و قوی‌تر مردان اساس نظریه تسلط لیکاف را تشکیل می‌دهد.

بر اساس نظریه تسلط، زنان جنس نشان‌دار^۳ به‌شمار می‌آیند. نقش تابع زنان در اجتماع اصلی‌ترین عامل تعیین‌کننده رفتار آن‌هاست. بر اساس این، سبکی اختصاصی یا زبانی زنانه وجود دارد که شامل ویژگی‌های زبانی معین است و حاکی از عدم اطمینان، متفاوت بودن و فقدان اقتدار است. هر اثری در قالب این نظریه کوششی است برای مطالعه نابرابری بین افراد دو جنس. این نابرابری شامل دو بخش: نحوه برخورد زبان با زنان و آموزش زنان در چگونگی استفاده از زبان است. دבורا کامرون^۴ در مورد نظریه لیکاف می‌گوید:

رهیافت تسلط را روبین لیکاف بیان می‌کند که سبکی اختصاصی یا زبانی زنانه وجود دارد که شامل ویژگی زبانی معین است که حاکی از عدم اطمینان، متفاوت بودن و فقدان اقتدار است. جامعه زنان را به کاربرد این سبک گفتار، به‌عنوان بخشی از جایگاه اجتماعی خاص خود ملزم می‌کند. چنین رهیافتی توسط سایر محققان با تأکید کمتری بر جنبه اجتماعی‌شدن مسئله، اتخاذ شده است. آنان بر نقش انفرادی مردان در محدود کردن رفتار زبانی زنان به‌طوری که بیانگر تابعیت زنان باشد، اهمیت بیشتری داده‌اند (15: 1992).

۲-۱. تسلط مکالمه‌ای و قطع گفتار

اصطلاح «تسلط مکالمه‌ای»^۵ به تمایل یک گوینده به کنترل مشارکت گوینده دیگر در تعامل به‌وسیله محدود کردن حقوق صحبت کردن وی - مشخصاً - از طریق قطع گفتار، همپوشی و پیشنهادهای تکمیلی اشاره دارد. قطع گفتار موفق هنگامی است که یکی از طرفین در میان حرف دیگری صحبت می‌کند و اجازه نمی‌دهد او حرفش را تمام کند و همچنان به حرفش ادامه می‌دهد تا نفر اول سکوت کند. زیمرمن و وست^۶ قطع گفتار را چنین تعریف می‌کنند: «ایجاد مزاحمت در گفتار گوینده، پیش از اتمام بیان آخرین سازه واژگانی که همان مرز پایانی جمله است.» (114: 1975). قطع گفتار جزء آن دسته از عوامل زبانی است که با صراحت جهت‌گیری افراد را در برابر یکدیگر و آرای مخاطبانشان نشان می‌دهد. این صراحت در نفس عمل قطع نهفته است.

۳-۱. عمل کنترلی

قطع گفتار را تنها زمانی شاخص تسلط مکالمه‌ای می‌دانیم که گوینده دوم در به‌دست آوردن نوبت سخن گفتن موفق باشد و گوینده اول نوبت سخن گفتن را رها کند. با استفاده از مفهوم عمل کنترلی اگر شخص در به‌دست آوردن رشته کلام موفق باشد و گوینده نخست را به‌طور موفقیت‌آمیز کنار زند، عمل کنترلی را در مشارکت با موفقیت اجرا کرده است: «عمل کنترلی مشارکتی موفق»^۷. اما اگر فردی که کلام گوینده نخست را قطع می‌کند، خود مجبور شود نوبت سخن گفتن را رها کند، با «عمل کنترلی مشارکتی ناموفق»^۸ روبه‌رویم و «PACA» تسلط مکالمه‌ای محسوب نمی‌شود.

۴-۱. اظهارنظرهای مستقیم

اظهارنظر مستقیم عبارت است از بیان صریح و بی‌پیرایه رأی و عقیده شخصی درباره موضوع خاصی. اظهارنظرهای مستقیم معمولاً با جمله‌های ساده و افعال معلوم بیان می‌شود. به‌طور معمول، این شاخص‌های زبانی اعتماد به نفس یا قاطعیت یا ایمان و اعتقاد پابرجای شخص را به آنچه بیان می‌کند نشان می‌دهند. این نوع کنش رفتاری-زبانی (اعم از بیان مخالفت یا موافقت) مشارکت بالای تولیدکننده این شاخص زبانی را در گفت‌وگو به‌طور غیرمستقیم نشان می‌دهد.

۵-۱. انحراف از موضوع

منظور از انحراف از موضوع، پرداختن به حواشی غیرمرتبط با موضوع یا بیان لطیفه‌ای به هر بهانه‌ای در میان کلام یا طفره رفتن از موضوع با بیان تعبیرهایی نظیر «خدا می‌داند»، «معلوم نیست» و... است.

۶-۱. فعل‌ها و قیده‌های تردیدآمیز

قیدها و فعل‌های بیانگر شک و تردید و احتمال جزء گروه فعل‌ها و قیده‌های تردیدآمیز هستند. قیده‌هایی مانند «شاید»، «احتمالاً»، «گویا»، «به نظر من»، «به گمان من» و... و افعالی مانند «فکر می‌کنم»، «گمان می‌کنم» و... (البته در بافتی که شک و تردید گوینده را نشان دهند) همگی از قطعیت کلام می‌کاهند. به‌نظر می‌رسد قیدها و فعل‌های تردیدآمیز جزء صوری‌ترین نموده‌های زبانی تردید افراد باشند.

۲. پیشینه پژوهش

زیمرمن و وست به بررسی قطع گفتار در محیط‌های تک‌جنسی و مختلط پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که در محیط‌های مختلط ۹۶ درصد قطع گفتارها مربوط به مردان و ۴ درصد مربوط به زنان است و همه قطع گفتارها به جز دو مورد، مربوط به مردان است (Zimmerman & West, 1975: 114). به این ترتیب، پژوهش زیمرمن و وست در توزیع حق سخن گفتن در مکالمات، عدم تقارن آشکاری را ثابت می‌کند؛ این احتمال که مردان حق سخن گفتن را از زنان بگیرند، بسیار بیشتر از همین احتمال برای زنان است.

وودز^۹ مکالمه‌های سه‌گانه‌ای را در یک محل کار ضبط کرده است که مردان و زنان زبردست^{۱۰} و بالادست^{۱۱} در این مکالمه‌ها شرکت دارند. او دریافته است که جنسیت مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رفتار زبانی است که جایگاه اجتماعی مهم‌تری دارد (Woods, 1998: 105 - 129). سپندر^{۱۲} معتقد است مردان سکوت زنان را طراحی می‌کنند. او همچنین می‌گوید هر زنی که تلاش کند کلام مردی را قطع کند، زنی بی‌ادب، سلیطه و سلطه‌جو تلقی می‌شود (Spender, 1980: 17).

اکینز و اکینز^{۱۳} در پژوهشی در مورد «نوبت‌گیری»^{۱۴} دریافتند که مردان نوبت‌های بیشتری برای صحبت کردن دارند و طول گفتار مردان در هر نوبت بیش از طول گفتار زنان است و مردان بیشتر قطع‌کننده گفتارند و کمتر گفتارشان قطع می‌شود (Githens, 1991: 7). پژوهش دی‌فرانسیسکو^{۱۵} درباره زن و شوهرها در محیط‌های مختلط نشان می‌دهد مردان بیش از زنان گفتار طرف مقابل را قطع می‌کنند و از پاسخ‌گویی دوری می‌کنند (DeFrancisco, 1998: 183).

معصومه افتخاری در پایان‌نامه خود به این نتیجه رسیده است زنان بیش از مردان از متغیر زبانی قطع گفتار (موفق و ناموفق) استفاده می‌کنند. او همچنین رابطه معکوسی را بین دو متغیر اجتماعی سن و تحصیلات با میزان قطع گفتار گزارش می‌کند (افتخاری، ۱۳۷۸: ۱۰۴).

۳. روش تحقیق

در پژوهش حاضر از روش محاسبه کمی عوامل زبانی و بررسی همبستگی آن‌ها با متغیر اصلی جنسیت استفاده شده است. روش محاسبه کمی شیوه‌ای است که در آثار جامعه‌شناسان زبان به‌کار رفته است. جامعه آماری این تحقیق از دانشجویان دختر و پسر ۱۸ تا ۲۴ سال دوره کارشناسی دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبائی تشکیل شده است. جمعیت نمونه به روش تصادفی بر اساس علاقه‌مندی مشارکان انتخاب شده و گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه حضوری بر اساس پرسش‌نامه صورت گرفته است. تعداد چهل مصاحبه در چهار محیط متفاوت به مدت ۲۵ تا ۳۰ دقیقه انجام گرفت که فقط ۲۰ دقیقه آن در ارزیابی نهایی لحاظ شد. هریک از ۲۰ نفر مصاحبه‌شونده دو بار در مصاحبه شرکت کردند: یک‌بار با فردی همجنس و بار دوم با فردی غیرهمجنس. در این شیوه جدید برای هر فرد به دو نمونه گفتار نیاز داریم: یک نمونه گفتار با فرد همجنس و یک نمونه دیگر



با فرد غیرهمجنس؛ یعنی مصاحبه‌شونده ثابت می‌ماند و جنسیت مصاحبه‌گر عوض می‌شود.

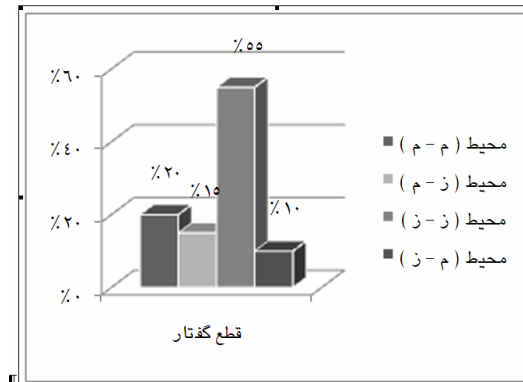
۴. تحلیل داده‌ها

محیط‌های مورد بررسی در این پژوهش که تقابلهای جنسیتی را نشان می‌دهند عبارت‌اند از: دو محیط همجنس (محیط‌های «م-م» و «ز-ز») و دو محیط مختلط (محیط‌های «ز-م» و «م-ز»). تفاوت دو محیط «ز-م» و «م-ز» این است که در اولی مصاحبه‌گر زن است و داده‌های حاصل از گفتار مصاحبه‌شونده، یعنی مرد ملاک است؛ اما در محیط «م-ز»، مصاحبه‌گر مرد است و از گفتار مصاحبه‌شونده، یعنی زن برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است.

در بخش اول این پژوهش به محاسبه تعداد قطع گفتارهای موفق در محیط‌های چهارگانه می‌پردازیم، سپس در بخش دوم رابطه قطع گفتارهای موفق را با سه متغیر فرعی فعل‌ها و قیده‌های تردیدآمیز، میزان انحراف از موضوع و اظهارنظرهای مستقیم ارزیابی می‌کنیم.

۴-۱. تحلیل مستقیم

نکته اصلی در مورد قطع گفتار این است که تشخیص قطع گفتارهای حقیقی از جملاتی که می‌کوشند از گوینده حمایت کنند و در مکالمه مشارکت داشته باشند، مشکل است؛ به عبارت دیگر آنچه به عنوان قطع گفتار لحاظ می‌شود، در حیطه تخصص یک تحلیلگر تعاملات است و به «دانش پس‌زمینه‌ای»^{۱۶} درباره مخاطبان نیاز دارد. آیا می‌توانیم قطع گفتار را به عنوان تقویت آنچه گفته می‌شود یا درخواستی برای کنترل نوبت سخن گفتن بدانیم؟ چنین پرسش‌هایی مشکلاتی را در تمایل یک تمایز روش‌شناختی دقیق در کارکردهای همپوشی و قطع گفتار، به‌ویژه در انواع متفاوت بافت‌های مکالمه‌ای، آشکار می‌کنند.



شکل ۱ مقایسه درصد قطع گفتار در محیط‌های تک‌جنسی و مختلط به تفکیک جنسیت

بر اساس شکل شماره یک، ۶۵ درصد قطع گفتارها متعلق به گروه زنان است. از مجموع ۲۰ مورد قطع گفتار در ۴ محیط، ۱۳ مورد توسط زنان و ۷ مورد توسط مردان روی داده است. داده‌های شکل شماره یک نشان می‌دهند قطع گفتار ویژگی‌ای زنانه است که در محیط تک‌جنسی زنانه («ز-ز») بیشتر بروز می‌کند (۵۵ درصد). این مسئله آشکارا نظریه تسلط را- که ناظر بر تسلط مردان بر زنان در مکالمه است- در مورد سخن‌گویان زبان فارسی نقض می‌کند و میزان علاقه بسیار بالا در محیط تک‌جنسی زنانه برای سخن گفتن و مشارکت در گفت‌وگو را آشکار می‌کند.

آزمون تی برای سنجش تفاوت بین مردان و زنان در به‌کارگیری شاخص قطع گفتار نشان می‌دهد بین جنسیت با متغیر قطع گفتار تفاوت معناداری وجود دارد؛ زیرا $p < 0.05$ است.

جدول ۱ آزمون تی برای ارزیابی معناداری به‌کارگیری شاخص تسلط در مردان و زنان

میزان تی	درجه آزادی	سطح معناداری با ۹۹٪ اطمینان	اختلاف میانگین	اختلاف میانگین با ۹۵٪ اطمینان	
				حد بالا	حد پایین
۳۴/۶۴۳	۱۵۰	۰/۰۰	۱/۳۲۸	۱/۴۱	۱/۲۶

بر اساس شکل شماره یک، مقایسه میزان قطع گفتار در دو محیط «ز-ز» و «م-ز» نشان می‌دهد میزان قطع گفتار در محیط «ز-ز» ۵/۵ برابر میزان قطع در محیط «م-ز» است. این

مسئله دقت زیاد زنان را در مواجهه با غیرهمجنس خود نشان می‌دهد. مردان و زنان میزان مشارکت خود را در مکالمه، متناسب با جنسیت طرف گفت‌وگو تنظیم می‌کنند و با توجه به داده‌های شکل شماره یک و اختلاف درصدهای قطع گفتار بین دو گروه «م-م» و «ز-م» از یکسو و «ز-ز» و «م-ز» از سوی دیگر، به نظر می‌رسد حساسیت و توجه زنان و میزان تغییر رفتار زبانی در زنان متناسب با جنسیت طرف گفت‌وگو بیش از مردان است. اگر اختلاف درصد قطع گفتار بین دو گروه «م-م» و «ز-م» را D_{mi} و اختلاف درصد قطع گفتار بین دو گروه «ز-ز» و «م-ز» را D_{fi} بنامیم، آنگاه داریم:

$$D_{mi} = 5\%$$

$$D_{fi} = 45\%$$

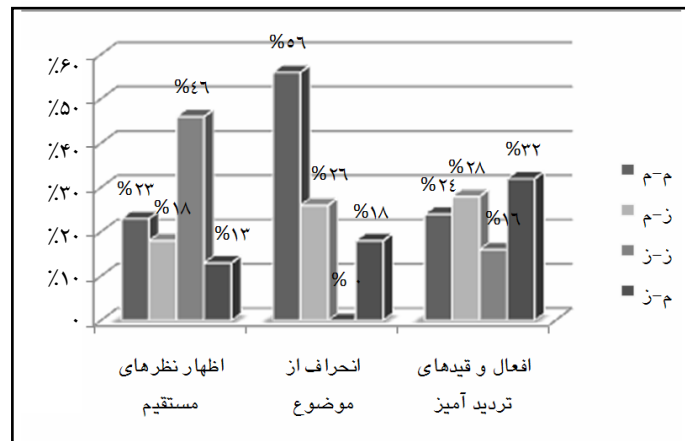
در نتیجه، D_{fi} ، نه برابر D_{mi} است. نسبت‌های بالا نشان می‌دهند رفتار زبانی قطع گفتار در زنان، بیش از مردان، تابع محیط و جنسیت طرف گفت‌وگوست. درصد بالای قطع گفتار در گروه‌های «ز-ز» و «م-ز» نظریه تسلط را در مورد جامعه آماری پژوهش حاضر ثابت نمی‌کند.

۲-۴. عوامل مؤثر بر قطع گفتار

جدول شماره دو و شکل شماره دو میزان و درصد سه عامل زبانی اظهارنظرهای مستقیم، انحراف از موضوع و فعل‌ها و قیده‌های تردیدآمیز را به‌عنوان عوامل مؤثر بر قطع گفتار نشان می‌دهند.

جدول ۲ میزان اظهارنظرهای مستقیم، انحراف از موضوع و فعل‌ها و قیده‌های تردیدآمیز در محیط‌های تک‌جنسی و مختلط، به تفکیک جنسیت

جنسیت	عوامل زبانی		اظهارنظرهای مستقیم	انحراف از موضوع	فعل‌ها و قیده‌های تردیدآمیز
	محیط جنسیتی	م			
مردان	م-م	۶۶	۱۳	۲۲	
	م-ز	۵۱	۶	۳۷	
زنان	ز-ز	۱۳۲	۰	۲۱	
	م-ز	۳۹	۴	۴۲	
جمع		۲۸۸	۲۳	۱۳۲	



شکل ۲ مقایسه درصد اظهارنظرهای مستقیم، انحراف از موضوع و فعل‌ها و قیدهای تردید آمیز در محیط‌های تکجنسی و مختلط

۴-۲-۱. اظهارنظرهای مستقیم

بر اساس شکل شماره دو، بیشترین میزان اظهارنظرهای مستقیم مربوط به محیط تکجنسی زنانه است. مقایسه این شکل با شکل شماره یک نشان می‌دهد اظهارنظرهای مستقیم با میزان قطع گفتار رابطه مستقیم دارد؛ به این معنا که در هر دو مورد، بیشترین درصد کاربرد، مربوط به محیط تکجنسی زنانه است. نکته جالب در مورد این مقایسه، همسانی کامل الگوی کلی این دو شکل است؛ زیرا در هر دو، کمترین درصد کاربرد، شاخص مربوط به محیط «م-ز» است. ارزیابی درصدی ثبت شده در جدول شماره دو گویای این است که ۵۹ درصد از اظهارنظرهای مستقیم مربوط به زنان است. تقریباً تمام ۲۰ مورد قطع گفتار انجام شده، جزء اظهارنظرهای مستقیم هستند.

باز هم مقایسه اختلاف درصد اظهارنظرهای مستقیم بین دو محیط «ز-ز» و «م-ز» D_{fd}^1 از یکسو و اختلاف درصد بین دو محیط «م-م» و «ز-م» D_{md}^2 از سوی دیگر نتایج مشابه قطع گفتار به دست می‌دهد:

$$D_{md} = \%5$$

$$D_{fd} = \%33$$

D_{fd} برابر D_{md} است که بازهم دقت و حساسیت بیشتر زنان را- در مقایسه با مردان- در مواجهه با جنس مخالف خود اثبات می‌کند.

۲-۲-۴. انحراف از موضوع

۸۲ درصد از انحراف از موضوع‌ها به مردان اختصاص دارد که بیشترین درصد در محیط تک‌جنسی مردانه ثبت شده است. شاید میزان انحراف از موضوع با میزان علاقه فرد به موضوع مرتبط باشد؛ یعنی هرچه علاقه فرد به موضوع یا خود گفت‌وگو بیشتر باشد، میزان انحراف از موضوع کمتر است که بازهم شکل شماره دو علاقه بیشتر زنان را به گفت‌وگو نشان می‌دهد. از سوی دیگر، میزان انحراف از موضوع با درصد قطع گفتار نسبت عکس دارد (مقایسه شکل یک با شکل دو). از این نظر، کارکرد دو عامل دخیل در قطع گفتار، یعنی اظهارنظرهای مستقیم و میزان انحراف از موضوع گفت‌وگو کاملاً برخلاف یکدیگرند.

۳-۲-۴. فعل‌ها و قیدهای تردیدآمیز

بر اساس شکل شماره دو (و نیز ستون سوم جدول شماره دو) کمترین میزان به‌کارگیری فعل‌ها و قیدهای تردیدآمیز متعلق به گروه «ز- ز» است؛ گروهی که بیشترین میزان قطع گفتار را دارد (شکل ۱). از این نظر، کارکرد فعل‌ها و قیدهای تردیدآمیز با شاخص انحراف از موضوع همسو و با شاخص اظهارنظرهای مستقیم در تضاد است؛ زیرا میزان به‌کارگیری فعل‌ها و قیدهای تردیدآمیز با میزان قطع گفتار رابطه عکس دارد.

نکته جالب این است که بازهم تغییر رفتار زبانی زنان در مورد فعل‌ها و قیدهای تردیدآمیز بیش از مردان است. اختلاف درصد تردید بین محیط‌های «ز- ز» و «م- ز» چهاربرابر اختلاف درصد تردید بین محیط‌های «م- م» و «ز- م» است.

۵. نتیجه‌گیری

به اعتقاد نگارندگان، جنسیت فرد از دو سو بر مکالمه تأثیر می‌گذارد: از یک‌سو جنسیت فرد بر کلام خود فرد مؤثر است و از سوی دیگر بر کلام و رفتار زبانی طرف گفت‌وگو. دو فرد «الف» و «ب» را در نظر بگیرید. فرد «الف» یک مرد است و «ب» زن. فرد «الف» از یک‌سو نوعی رفتار زبانی مردانه متناسب با مرد بودن خود نشان می‌دهد که ناشی از باور جنسیتی اوست و از سوی دیگر به‌واسطه مرد بودنش (نه رفتار زبانی آن لحظه‌اش) بر گفتار زبانی

فرد «ب» تأثیر می‌گذارد. بیشتر پژوهش‌هایی که در داخل و خارج کشور درباره مسئله زبان و جنسیت انجام شده‌اند، تأثیر نخست را کاویده و از تأثیر دوم غافل بوده‌اند. اما پژوهش حاضر کوششی است به‌منظور واکاوی بخشی از این تأثیر. بی‌تردید، تعمیم استنتاج‌های پژوهش حاضر به جامعه فارسی‌زبانان نیازمند افزایش تعداد نمونه آماری و تنوع بیشتر آن است و نتایج به‌دست آمده فقط مربوط به نمونه آماری تعیین شده است.

- میزان قطع گفتار در میان زنان، ۱/۸ برابر قطع گفتار در مردان است و به‌طور کلی، قطع گفتار در محیط‌های تک‌جنسی بیشتر بوده است.

- ارقام مربوط به قطع گفتار در محیط‌های چهارگانه نشان می‌دهد رفتار زبانی قطع گفتار در زنان، بیش از مردان، تابع محیط و جنسیت طرف گفت‌وگوست.

- درصد بالای قطع گفتار در گروه‌های «ز- ز» و «م- ز»، نظریه تسلط را در مورد جامعه آماری پژوهش حاضر ثابت نمی‌کند.

- میزان اظهارنظرهای مستقیم با درصد قطع گفتار در گروه‌های مختلف رابطه مستقیم دارد.

- میزان انحراف از موضوع با درصد قطع گفتار نسبت عکس دارد.

- میزان قیدها و فعل‌های تردیدآمیز با درصد قطع گفتار رابطه عکس دارد. کمترین میزان تردید متعلق به گروه تک‌جنسی زنانه است و بیشترین قطع گفتار نیز مربوط به همین گروه است.

کلام آخر اینکه توجه به آمار مربوط به عوامل زبانی قطع گفتار نشان می‌دهد نظریه تسلط در مورد جمعیت نمونه در پژوهش حاضر صدق نمی‌کند. درصد بالای اظهارنظرهای مستقیم در میان زنان هم- که با درصد بالای قطع گفتار در میان آن‌ها همسوست- استنتاج یادشده را تأیید می‌کند؛ بنابراین به نتایج زیر دست می‌یابیم:

۱. نظریه تسلط بر اساس ارزیابی شاخص تسلط مشارکتی قطع گفتار در مورد جامعه فارسی‌زبانان صدق نمی‌کند.

۲. از میان عوامل سه‌گانه مؤثر بر قطع گفتار، اظهارنظرهای مستقیم با قطع گفتار رابطه مستقیم، و دو عامل انحراف از موضوع و قیدها و فعل‌های تردیدآمیز با قطع گفتار رابطه عکس دارند.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. R. Lakoff
2. powerless language
3. marked
4. D. Cameron



5. participatory dominance
6. D. H. Zimmerman and C. West
7. participatory successful controlling action (PSCA)
8. participatory attempted controlling action (PACA)
9. N. Woods
10. subordinate
11. supervisor
12. D. Spender
13. J. Eakins and F. Eakins
14. turntaking
15. V. L. DeFrancisco
16. background knowledge
17. difference of male interruption
18. difference of female interruption
19. difference of female's direct statements
20. difference of male's direct statements

۹. منابع

- افتخاری، معصومه (۱۳۷۸). قطع گفتار در گفت‌وگوهای خانوادگی زوج‌های فارسی‌زبان تهرانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران.
- Cameron, D. (1992). "Not gender difference but the difference gender makes explanation in research in sex and language". *International Journal of Sociology of linguistics*. 94. Pp. 15-24.
- DeFrancisco, V. L. (1998). "The sounds of silence: How men silence women in marital relations" in J. Coates (Ed.). *Language and gender*. Oxford: Blackwell: Pp. 176-84.
- Githens, S. (1991). "Men and women in conversation: An Analysis of Gender styles in Language". On line: www.Gender_styles.net
- Lakoff, R. (1975). "Language and women's place". *Language in society*. 2. Pp. 45-80.
- Spender, D. ([1980] 1990). *Man made Language*. London: Pandora.
- Woods, N. (1988). "Talking shop: sex and status as determinants of floor appointment in a work setting" in J. Coates & D. Cameron (Eds.). *Women in their speech communities*. London: Longman. Pp. 141-57.

- Zimmerman, D. H. & C. West (1975). "Sex roles, interruptions and silences in conversation" in B. Thorne & N. Henley (Eds.). *Language and sex: Difference and dominance*. Rowley, MA: Newbury House. Pp. 105-29.